

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و سوم، شماره هشتاد و نهم

بهار ۱۴۰۱

اشعریان و تحول گفتمان تاریخننگاری محدثان قمی

در موضوع امام‌شناسی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۴/۲۸

۱ ابوالفضل ربانی

۲ حسن حضرتی

دانش تاریخ بر پایه سنت تجربه‌گرایانه خود در سده‌های اخیر، توان بازنمایی ابعاد فراطبیعی امامان شیعی را ندارد. با توجه به در دسترس نبودن بخش عمده‌ای از منابع تاریخی در محدوده زمانی قرن‌های دو تا پنج هجری، و اهمیت آثار محدثان شیعی، به‌ویژه قمی‌ها در بازنمایی تاریخ امامان در منابع روایی، این پرسش رخ می‌نماید که محدثان قمی چه مسیری را برای بازنمایی ابعاد مختلف شخصیت امامان شیعی علیهم‌السلام طی کرده‌اند؟

تحقیق حاضر، با نگاهی به روش تحلیل گفتمان و ترسیم گفتمان‌های تاریخی و کلامی و تبیین ارکان آنها در روایات امام‌شناسی محدثان قمی در سده‌های نخستین اسلامی، به تبیین روند فزاینده استفاده از داده‌های کلامی در قالب گزاره‌های تاریخی برای شناساندن امامان و عوامل گسترش آن پرداخته است. یافته‌های پژوهش، نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی، سیاسی

۱. دکترای تاریخ اسلام، دانشگاه تهران: (rabhani.srz@gmail.com).

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه تهران: (hazrati@ut.ac.ir).

و اقتصادی و دلایلی چون آمادگی ذهنی مخاطبان، بر غلبه گفتمان کلامی در تاریخ‌نگاری محدثان قمی تأثیرگذار بوده است.

کلیدواژگان: پیامبر ﷺ، امامان شیعه علیهم‌السلام، امام‌شناسی تاریخی، تاریخ امامت، محدثان قمی، تاریخ‌نگاری شیعی.

مقدمه

داده‌های تاریخی، در پی تبیین گذشته انسانی هستند و تاریخ‌شناسان تلاش می‌کنند تا داده‌ها را به خبرهایی قریب به امر واقع تبدیل کنند. تکیه بر اسناد، شواهد و مدارک برای راستی‌آزمایی داده‌ها، روش تاریخ‌شناسی را شکل می‌دهند و بر همین اساس، تنها داده‌هایی که قابلیت راستی‌آزمایی را دارا باشند، می‌توانند به‌عنوان گزاره‌های تاریخی شناخته شوند.^۱ نگاهی گذرا به گزاره‌هایی که به شناساندن گذشته امامان پرداخته‌اند، به وجود بسیاری از داده‌های شامل رویدادهای غیرطبیعی و ماورایی مرتبط با امامان گواهی می‌دهد. این گزاره‌ها که با عنوان عمومی تاریخ امامان شناخته می‌شوند، در شاخه‌های مختلفی از تاریخ مانند: تراجم، رجال، مناقب‌نگاری و منابع روایی دیده می‌شوند. ناسازگاری این گزاره‌ها با تعریف یادشده از تاریخ‌شناسی و نیز توجه به عدم توانایی تاریخ‌شناسان در راستی‌آزمایی آنها با تکیه بر عقل تاریخی و روش اسنادی، ما را متوجه تحولی در تاریخ‌نگاری با موضوع امامان شیعی می‌کند.

با توجه به اعتقاد شیعیان مبنی بر وجود دو بعد اثباتی (تاریخی و قاعده‌مند) و ثبوتی (فرا‌تاریخی و ماورایی) در شخصیت امامان شیعی، تکیه بر گزاره‌های تاریخی صرف نمی‌توانسته تصویری کامل از آنها را ارائه دهد. بر همین اساس، گفتمان تاریخ‌نگاری در این موضوع تحولاتی را شاهد بوده است. کسانی که به شناساندن گذشته امامان علاقه‌مند

۱. حضرتی، روش پژوهش در تاریخ‌شناسی، ص ۸۴-۸۵.

بوده‌اند، علاوه بر دانش تاریخ، به علم کلام دست یازیده‌اند تا با کمک آن بتوانند نمایی کامل‌تر از امامان ارائه دهند. در این تحول، بخش اثباتی وجود امامان با استفاده از گزاره‌های تاریخی، و بخش ثبوتی آن با تکیه بر دانش کلام به تصویر کشیده شده است. نکته قابل توجه در این رویکرد، قالب تاریخی گزاره‌های کلامی است. با توجه به هدف مشترک کنشگران تاریخی و کلامی که شناساندن گذشته امامان شیعی بوده، قالب گزاره‌های کلامی نیز مشابهت فراوانی به گزاره‌های تاریخی دارد. نکته دیگری که در نوشتار پیش رو بدان توجه شده است، روند فزاینده ورود داده‌های کلامی به منابع روایی در قالب گزاره‌های تاریخی است. به نظر می‌رسد که با گذر زمان، کمیت داده‌های کلامی هم‌رنگ با گزاره‌های تاریخی، در منابع روایی افزایش می‌یابد. تبیین چگونگی این افزایش و اشاره به برخی از عوامل و دلایل آن نیز در بخش‌هایی از این نوشتار پیگیری خواهد شد.

با وجود فهرست بلندبالای آثار تاریخی منسوب به مورخان شیعی در منابع فهرست‌نگاری، بنا بر عوامل و دلایلی چند، بسیاری از آنها در گذر زمان از بین رفته و در دسترس نیستند و از همین رو، منابع روایی و مجامع حدیثی، اهمیت قابل توجهی در بررسی تحولات تاریخ‌نگارانه، به‌ویژه در موضوع امام‌شناسی می‌یابند. مدرسه قم به جهت انتقال بسیاری از مجامع روایی کوفیان، و فعالیت‌های گسترده راویان قمی در ثبت و انتقال روایت‌ها به نسل‌های بعدی، از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است.

با وجود علاقه اولیه شیعه به تاریخ‌نگاری و فراوانی نسبی عناوین مرتبط با تاریخ امامان و رویدادهای مرتبط با ایشان در آثار مورخان شیعی، به نظر می‌رسد که بیشتر آثار تولیدشده در مدرسه قم، در بستر گفتمان کلامی نگارش یافته‌اند. مقتل، فضایل و مناقب و

مباحث کلامی مرتبط با موضوع خلافت، بیشترین عناوین را در بین آثار تاریخی محدثان قمی به خود اختصاص داده‌اند.^۱

با توجه به در دسترس نبودن متن منابع تاریخی، به‌ناچار روایت‌های با رنگ‌وبوی تاریخی در موضوع امام‌شناسی که محدثان قمی در نقل آنها نقش داشته‌اند، پایه پژوهش قرار گرفته است. *بصائر الدرجات* محمدبن حسن صفار قمی (۲۹۰ق)، *الکافی* کلینی (۳۲۹ق)، *عیون اخبار الرضا و معانی الأخبار* شیخ صدوق (۳۸۱ق)، منابع اصلی پژوهش را شکل داده‌اند.

به مناسبت موضوع، به برخی از منابع تاریخی محدثان قمی، مانند کتاب *الفرق والمقالات* سعدبن عبدالله اشعری (م. ۳۹۰ق) نیز مراجعاتی شده است.

در این تحقیق، سعی شده تا تاریخ‌نگاری محدثان قمی به‌مثابه یک نظم گفتمانی دیده شود که دو گفتمان با رویکردهای تاریخی و کلامی در آن به رقابت پرداخته‌اند. با توجه به گستردگی روایت‌های مرتبط با امام‌شناسی و تاریخ آنها و نیز تکرار موضوع گزاره‌ها در تعداد قابل توجهی از آنها، بر آن شدیم تا با دسته‌بندی موضوعی، نظم بهتری به نوشتار بخشیم. در این دسته‌بندی، مفاهیم و تحولات مربوط به آنها در چند محور: ویژگی‌های فیزیکی و شخصیتی، علم، قدرت و ارتباط امامان با موجودات ماورایی مانند فرشتگان، مورد بررسی قرار گرفته است.

نگاهی اجمالی به گزاره‌های مربوط به امام‌شناسی، درستی تقسیم‌بندی تمرکز یادشده را تأیید می‌کند؛ چراکه دال‌های گفتمان‌های تاریخی و کلامی، بیشتر پیرامون محورهایی چون ویژگی‌ها و توانایی‌های فیزیکی امامان در دوره‌های مختلف سنی مانند: پیش و بعد از تولد، کودکی، نوجوانی، جوانی و پیری و نیز محورهای دیگری همچون: قدرت، علم و

۱. برای مطالعه فعالیت‌های تاریخ‌نگارانه شیعیان در قرون نخستین، ببینید: محمدرضا هدایت‌پناه،

۱۳۹۴ش، منابع تاریخی شیعه تا قرن پنجم هجری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ارتباط با موجودات فراتاریخی و ماورایی مانند جن‌ها و فرشتگان شکل گرفته‌اند و تثبیت مفاهیمی در چارچوب گفتمان‌های خود را عهده‌دار بوده‌اند. با توجه به اینکه دال‌های متعددی برای تثبیت هر کدام از مفهوم‌ها به کار رفته‌اند و از سوی دیگر، تثبیت مفهوم‌ها گاه با به‌کارگیری یک یا چند عبارت پیگیری شده است، تمرکز نوشتار، بر مفهوم‌ها خواهد بود و تا حد امکان، از بحث درباره دال‌ها پرهیز خواهد شد.

پیشینه

حسن حضرتی در بخشی از کتاب روش پژوهش در تاریخ‌شناسی پس از ارائه تعریفی جامع از دو مقام ثبوتی (رویکرد کلامی) و اثباتی (رویکرد تاریخی) امامان شیعی، به تبیین خاستگاه آن دو اقدام کرده است. ایشان بدون ورود به داده‌های منابع و با طرح مباحثی کلی، مدعی شده‌اند که ارائه تصویر کامل از امام بدون استفاده از هر دو دانش تاریخ و کلام، ممکن نیست و در تنازع این دو دانش، اصالت با دانش تاریخ است.^۱ هر دو نوشتار، در یک حوزه نگاشته شده‌اند؛ با این تفاوت که حضرتی مسئله را به صورت کلان‌تر و قابل تعمیم بر کل تاریخ امامت دیده است و نوشتار پیش رو، آن را در آثار روایی برجای‌مانده از مدرسه قم در قالب نظریه تحلیل گفتمان پیگیری کرده است.

مدرسی طباطبایی در اثر خویش به نام مکتب در فرایند تکامل، تاریخ‌نگاری امام‌محور و داده‌های مرتبط با امام‌شناسی را واکاوی کرده است. وی نگاه به امامان و تاریخ‌نگاری روایی در این موضوع را برآیند رقابت دو جریان در تاریخ تشیع می‌داند. به اعتقاد ایشان، گروهی به امامان نگاه زمینی و طبیعی داشته‌اند و گروه رقیب آنها را ماورایی و دارای ویژگی‌های خارق‌العاده می‌دانسته‌اند.

۱. ر.ک: حضرتی، روش پژوهش در تاریخ‌شناسی، ص ۸۲ به بعد.

نویسنده، اصل را بر امام برآمده از گفتمان تاریخی قرار داده و نسبت امور ماورایی به ائمه را به جریان غلو پیوند زده است. ایشان در بخشی از کتاب خود به مناسبت، به محدثان قمی اشاره کرده و به‌طور کلی، آنها را مخالف غلو معرفی می‌کند. وی مدعی شده که علمای قم تصمیم گرفتند تا کسانی را که امور ماورایی به امامان نسبت می‌دهند، غالی بنامند.^۱ در مراجعه به منبع مورد اشاره ایشان، دلیلی بر این ادعا در متن یادشده یافت نشد.^۲ مدرسی در تحقیق یادشده، بر موضوع امام‌شناسی در آثار محدثان قمی متمرکز نیست و تأکیدی بر پیشبرد تحقیق بر اساس نظریه تحلیل گفتمان ندارد. از سوی دیگر، نتایج برآمده از تحقیق حاضر با مدعای ایشان تفاوت‌هایی دارد.

چگونگی قدرت‌گیری اشعریان در قم و تأثیر آنها بر مکتب حدیثی این شهر،^۳ موضوع تحقیقاتی چند بود که با توجه به عدم اشاره آنها به مباحث تاریخ‌نگاری و امام‌شناسی، از معرفی تفصیلی آنها اجتناب می‌شود.

اشعریان و پایه‌گذاری مدرسه قم

ورود عبدالله (قرن ۲) و احوص (قرن ۲)، فرزندان سعدبن مالک اشعری، به قم با وجود اختلاف در جزئیات، در سال ۹۴ هجری روی داده است.^۴ اگر مبنای تالکت پارسونز، جامعه‌شناس آمریکایی (۱۹۰۲-۱۹۷۹م) در چگونگی تبدیل خرده‌نظام‌ها به نظام کلان^۵ را

۱. مدرسی، مکتب در فرایند تکامل، ص ۵۰.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۸۹.

۳. رک: سهیلا پیروزفر و مهدی آجیلیان مافوق، «خاندان اشعری و تأثیر آن بر سیر تحول مکتب حدیثی قم»؛ علی محمد سرلک، اشعریان و تأسیس نخستین دولت شهر شیعی؛ محمد حاج تقی، «شجره علمی خاندان اشعری».

۴. رک: حسن‌بن محمد قمی، تاریخ قم، ص ۶۸۷-۶۹۵.

۵. جورج ریترز، نظریه جامعه‌شناسی در دوره معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، ص ۱۳۱-۱۴۴.

بپذیریم، اشعریان با گذر از مراحل چهارگانه: تطبیق، هدفمند بودن حرکات، یکپارچگی و ایجاد انگیزه، توانستند بر قم مسلط شده و دولت شهری شیعی را پایه گذارند. تسلط بر منابع اقتصادی و فعالیت‌های گسترده در این بخش، گسترش جمعیت و کنار زدن زرتشتیان از سرپرستی امور،^۱ وحدت حاصل از وابستگی خاندانی و نیز اشتراک در پایبندی به گفتمان تشیع و مخالفت با گفتمان خلافت‌محور حاکم، استفاده از باورهای شیعی و ضد حاکمیتی و نیز تلاش برای فرار از خراج‌دهی به حاکمان،^۲ اقدام‌هایی بود که اشعریان برای دستیابی بر حکومت قم انجام دادند و آنها را می‌توان با نقشه راه پارسونز تطبیق داد.

با توجه به گرایش شیعی خاندان اشعری، توسعه گفتمان تشیع از همان آغاز در دستور کار قرار گرفت و بنا بر قولی، موسی بن عبدالله بن احوص (زنده در سال ۱۱۴ق)، اولین فرد از این خاندان بود که به تبلیغ رسمی گفتمان تشیع اقدام کرد.^۳

همچون دیگر راویان احادیث، اطلاعات چندانی از جزئیات زندگی اشعریان و تاریخ زادروز و مرگ ایشان در دست نیست. از همین رو، در ادامه نوشتار، عبدالله و احوص را نسل اول مهاجران و فرزندان و نوادگانشان را با عنوان نسل‌های بعدی یاد می‌کنیم تا به به گونه‌ای تقریبی، بتوانیم روند تاریخی تحولات را پیگیر شویم.

از دیدار اشعریان نسل اول با امامان و یا نقل روایت‌های تاریخی و حتی غیرتاریخی، اثری در منابع پیشین یافت نشد. نام افرادی از نسل دوم اشعریان در بین یاران امام صادق علیه السلام به چشم می‌خورد. نقل چند روایت فقهی از سوی اسحاق و الیسع، فرزندان عبدالله بن سعد بن مالک (قرن ۲)،^۴ و روایتی مبنی بر استفاده امام از مُشک برای خوشبو شدن

۱. ر.ک: حسن بن محمد قمی، تاریخ قم، ص ۷۱-۷۶؛ همان، ص ۱۸۱-۱۸۳ و ۷۱۶-۷۲۱ و ۷۱۶-۷۲۱.

۲. همان، ص ۷۸۰.

۳. همان، ص ۷۷۸-۷۷۹.

۴. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۷۶، ح ۱؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۶، ح ۴۷۷؛ محمد بن حسن طوسی، فهرست کتب الشیعة، ج ۳، ص ۳۱۹، ح ۹۹۰.

از سوی ابوبکر بن عبدالله^۱ تنها آثار برجای مانده از اشعریان این نسل در ارتباط با امامان شیعی هستند.

نخستین کنش‌های اشعریان در توسعه گفتمان کلامی

بیشتر افراد نسل سوم اشعریان نیز در زمره یاران امامان صادق، کاظم و رضا علیهم‌السلام بودند و با توجه به دوره امامت امام رضا (۱۸۳-۲۰۳ق)، دوره زندگی آنها نیمه دوم قرن دوم و ابتدای قرن سوم بوده است.

عنصرهایی از گفتمان کلامی در روایت‌های برجای مانده از این نسل اشعریان به چشم می‌خورد. آگاهی امام از فهرست شیعیان، مفهومی است که در روایتی از مرزبان بن عمران بن عبدالله (زنده در سال ۱۸۳ق) به چشم می‌آید.^۲ دال‌های بیشتری در روایت‌های باقیمانده از نسل‌های بعدی اشعریان، تثبیت معنایی این مفهوم را پیگیری کردند^۳ و از سوی دیگر، دامنه شمولی آن نیز توسعه یافت؛ به طوری که آگاهی امام از وضعیت شیعیان، به یکی از مفاهیم تثبیت‌شده در تصویر ارائه‌شده در گفتمان کلامی تبدیل شد.

اختصاص آگاهی از تأویل قرآن به امام، مفهوم دیگری است که در روایتی از این نسل به چشم می‌خورد.^۴ این مفهوم، در بستر هر دو گفتمان تاریخی و کلامی قابل بررسی است. مفهوم ارتباط امام با موجودات فرازمینی مانند ملائکه نیز در برخی از روایت‌های این نسل مورد توجه قرار گرفته است. در گزارشی که احمد بن عیسی بن عبدالله اشعری (زنده در

۱. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۱۵.

۲. محمد بن حسن بن صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۱۷۳.

۳. همان، ص ۱۹۰، باب «عندهم الصحيفة التي فيها اسماء...»، ح ۱-۶.

۴. صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۱۹۵؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۹۶، ح ۳۳۵۷۸.

سال ۱۱۴ق) نقل کرده، از درخواست کمک فرشته‌ای که خود را به شکل انسان درآورده بود از امام علی علیه السلام، و کمک شایان امام به ایشان سخن رفته و در ادامه، از تکرار این رفتار از سوی دیگر امامان، خبر داده شده است.^۱

تثبیت مفاهیم در سه محور: علم، قدرت و ارتباط با ماورا

نسل چهارم اشعریان مهاجر، در بین یاران امام صادق علیه السلام تا امام هادی علیه السلام قرار داشتند و بر همین اساس، برخی از آنها در قرن دوم و بیشتر آنها در قرن سوم می‌زیستند. علم امام، یکی از نقاط کانونی مورد توجه در روایت‌های این نسل است. آگاهی امام از غیب،^۲ علم از رویدادهای آینده،^۳ خبر دادن امام از زمان مرگ افراد در آینده،^۴ آگاهی ایشان از نهان انسان‌ها،^۵ خبردار بودن امامان از محل گنج‌های پنهان در کره خاکی،^۶ انتقال علم از پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام از مسیر غیرمعمول،^۷ مفاهیمی هستند که روایت‌هایی چند، تثبیت معنایی آنها را عهده‌دار شده‌اند. افزایش تعداد روایت‌ها در محور قدرت امام نیز در آثار برجای مانده از این نسل مشاهده می‌شود. اعطای قدرت طیّ الأَرْض به معلی بن خنیس (م. ۱۳۱ق) از سوی امام،^۸ تبدیل

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۳.
۲. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۷.
۳. محمدبن عمر کشی، رجال الکشی، ج ۱، ص ۴۰۶.
۴. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۹۶.
۵. محمدبن عمر کشی، رجال الکشی، ج ۲، ص ۶۱۴.
۶. محمدبن جریر طبری، دلائل الامامة، ص ۲۸۸، ح ۲۳۸.
۷. صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۲۸۴، ح ۹.
۸. همان، ص ۴۰۳، ح ۲.

تصویر حیوان درنده به واقعی و بلعیدن مخالفان امام در مجلسی در دربار^۱ و تصرف امام در زمین^۲، مفاهیمی هستند که دال‌های متعددی، تثبیت معنایی آنها را عهده‌دار شده‌اند. محور سومی که دال‌هایی، تثبیت مفاهیم مرتبط با آن را پی گرفته‌اند، ارتباط امام با موجودات ماورایی است. ارتباط مستقیم خداوند با امام به وسیله عمودی از جنس نور^۳، ارتباط امام با ماورا و عرش الهی و ارواح پیشینیان^۴، موضوع روایت‌هایی هستند که نام افرادی از نسل چهارم اشعریان در زمره راویان آنها قرار دارد.

بررسی منابع روایی، نشان‌دهنده توسعه قابل توجه رویکرد کلامی در حوزه امام‌شناسی و تاریخ امامت در دوره حیاتی نسل چهارم اشعریان است. این رشد، هم در تعداد روایت‌ها و هم در توسعه سه حیطة: علم، قدرت و ارتباط امام با ماورا قابل مشاهده است. کنش‌های تأثیرگذار اشعریان نسل چهارم در توسعه گفتمان کلامی، تنها به نقل روایت‌هایی با این رویکرد نبود؛ بلکه برخی از رفتارهای دیگر ایشان، مانند تقویت و یا تأیید بعضی دیگر از کنشگران این گفتمان نیز در نهایت، به سنگینی کفه داده‌های کلامی در امام‌شناسی انجامید.

برخورد احمدبن محمدبن عیسی اشعری (زنده در سال ۲۸۰ هجری) به هنگام ریاست بر مدرسه قم با احمدبن محمدبن خالد برقی (متوفای ۲۷۴ یا ۲۸۰ هجری)^۵، یکی از کنش‌هایی است که در توسعه گفتمان کلامی تأثیرگذار بود.

۱. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۹۶.

۲. طبری صغیر، دلائل الامامة، ح ۲۳۸.

۳. صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۴۳۹، باب ۱۲، ح ۱.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۲.

۵. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۷۶-۷۷.

اشعری به علت نقل از افراد مجهول یا ضعیف، برقی را تبعید کرد و بعدها با بازگشت وی به قم موافقت کرده، با شرکت در تشییع جنازه‌اش پشیمانی از کردار قبلی را اعلان کرد.^۱

موافقت اشعری با بازگشت وی - با توجه به موقعیت ممتاز احمدبن محمدبن عیسی در قم - در ماندگاری روایت‌های برقی بی‌تأثیر نبود.

واکاوی روایت‌های برقی، نشان‌دهنده تعلق او به گفتمان کلامی در حوزه امام‌شناسی است. وی در روایت‌هایش، تثبیت چند مفهوم اساسی در موضوع امام‌شناسی را پیگیر بوده است؛ مانند: تثبیت مفهوم علم نامحدود امام در روایت‌هایی در بردارنده دال‌هایی مرتبط با آن، همچون: علم امام به تمامی رویدادها و ابعاد جهان هستی،^۲ خیردار بودن امام از نهان انسان‌ها و پاسخ به پرسش‌های افراد پیش از مطرح شدن آنها.^۳

محور مهم دیگری که در برخی از روایت‌های برقی مورد توجه قرار گرفته، خلقت متفاوت امامان شیعه است.^۴ عالم ذر، از دیگر دال‌هایی است که در روایتی از برقی به چشم می‌خورد.^۵ این دال، در راستای تثبیت مفهوم خلقت متفاوت امام و شیعیان بروز یافته است.

ترویج مفهوم نامشروع بودن فرزندان که مخالف امامان شیعه هستند، در بستر گفتمان کلامی و در جهت غیریت‌سازی با گفتمان رقیب بروز یافته و روایتی از برقی، دال مربوط به آن را دربردارد.^۶

۱. غضائری، الرجال، ص ۳۹.

۲. صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۴۴۳، ح ۸.

۳. همان، ص ۲۳۷، ح ۹.

۴. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۵.

۵. همان، ص ۱۳۵، ح ۱۶.

۶. همان، ص ۱۳۹، ح ۲۴ و ۲۵؛ همان، ص ۱۴۱، ح ۳۳ و ۳۴.

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در توسعه گفتمان کلامی، موضع اشعریان نسبت به ابراهیم‌بن‌هاشم کوفی (زنده در سال ۲۶۰ق) بود. برخی از منابع، از وی با عبارت «أول من نشر حدیث الکوفیین بقم»^۱ یاد کرده‌اند. با توجه به نقل روایت احمد از راویانی مانند محمد بن خالد برقی^۲ و حسین بن سعید اهوازی که پیش از ابراهیم در قم بودند^۳ و نقش آنها در انتقال مجموعه‌های روایی از کوفه به قم، «اولین» در عبارت یادشده، باید مفهومی دیگر داشته باشد.

برخی محققان، روایت از ضعیفان از سوی محمد بن خالد، و فرصت کم و اتکا بر مکتوبات حدیثی از سوی حسین بن سعید اهوازی را دلیلی بر مدعای رجالی‌ها مبنی بر نخستین نشردهنده بودن ابراهیم دانسته‌اند.^۴

به هر روی، ابراهیم نقش مهمی در توسعه گفتمان مبتنی بر کلام در حوزه امام‌شناسی داشت. حجم انبوه روایت‌های وی که بیشتر آنها بر دانش کلام استوار بودند و گاه شکل و شمایل تاریخی یافته بودند، توانست به مدرسه قم راه یافته، مورد پذیرش جامعه حدیثی قم و در نهایت، ثبت و حفظ در منابع روایی آن گردد.

آن‌چنان‌که از نشانه‌ها برمی‌آید، معیار اشعریان در پذیرش و ردّ راویان و روایت‌های ایشان، اعتبارسنجی سلسله‌سند روایت‌ها بود. عدم اقبال آن‌چنانی راویان قمی به روایات

۱. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۶.

۲. رک: طوسی، فهرست کتب الشیعة، ص ۴۱۸.

۳. رک: ابوالقاسم خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۸۵؛ قاسم خانجانی و محمدرضا هدایت‌پناه، «تأملی در پیش‌گامی ابراهیم‌بن‌هاشم در نشر حدیث کوفیان در قم»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۴۰، ص ۳۵-۳۷.

۴. طالقانی، «نقش ابراهیم‌بن‌هاشم در انتقال میراث حدیثی کوفه به قم»، علوم قرآن و حدیث، ش ۹۰، ص ۱۲۷-۱۲۹.

محمدبن خالد و تبعید فرزندش احمدبن محمد از سوی احمدبن محمدبن عیسی اشعری، به همین دلیل انجام گرفته بود.

برخورداری ابراهیم بن هاشم از استادان مشهور کوفی، این فرصت کم نظیر را به وی داد تا مقاومتی در برابر انتقال مجموعه‌های روایی گسترده وی به قم از سوی اشعریان انجام نگیرد و حتی برخی از اشعریان، خود به جرگه راویان اخبار وی درآیند. احمدبن ادريس بن احمد بن ادريس بن عبدالله بن سعد (م. ۳۰۶ق) از نسل پنجم، و محمدبن احمد بن یحیی اشعری (زنده در سال ۲۲۰ق) از نوادگان عبدالله بن سعد و از نسل ششم اشعریان، روایت‌هایی را از ابراهیم نقل کرده‌اند.^۱

نگاه مثبت اشعریان به ابراهیم، اقبال راویان نامور قمی چون محمدبن حسن صفار (۲۹۰ق)، سعدبن عبدالله اشعری (۲۹۹ق) و در مرتبه بعدی، محمدبن یحیی العطار قمی (متوفای اوایل قرن ۴)، محمدبن علی بن محبوب (متوفای اوایل قرن ۴)، عبدالله بن جعفر حمیری (متوفای قرن ۴) را به وی در پی داشت و همه این امور، به ماندگاری روایت‌های وی کمک کرد.

روایت‌های پُرشمار ابراهیم در حوزه امام‌شناسی و تاریخ امامت، تثبیت مفاهیم را در چند محور در بستر گفتمان کلامی پی گرفته‌اند.

بخشی از دال‌های موجود در روایت‌ها به تثبیت مفهوم منشأ غیرعادی علم امام اختصاص یافته‌اند.

بهره‌مندی امام از الهام و وحی الهی، تفویض علم پیامبر به امام، دسترسی امام به بخشی از علم الهی، بهره‌مندی از منابعی چون جفر، جامعه و مصحف، نگارش جامع جدید از سوی پیامبر و انتقال آن به واسطه ام سلمه به امام علی علیه السلام، بهره‌مندی امام از فهرست جامع شیعیان از بدو خلقت تا پایان جهان، اطلاع از اسم اعظم الهی با آثار بی‌نظیر در

۱. مهاجر، رجال الأشعریین، ص ۲۸ و ۱۳۸.

توسعه علم امام،^۱ مفاهیمی هستند که در صدد تبدیل عنصر غیرعادی بودن علم امام به مفهومی تثبیت شده بودند و به نظر می‌آید، در این امر توفیق داشته‌اند.^۲

روش غیرمعمول انتقال علم به امام نیز از دیگر مفاهیمی بود که برخی از دال‌های موجود در روایت‌های ابراهیم در پی تثبیت آن بودند. الهام و وحی بر امام^۳ و بهره‌وری از کمک روح‌القدس^۴ و نیز ارسال روح برای تعلیم امام،^۵ از مفاهیمی هستند که با استفاده از دال‌های ترکیبی ثابت یافته‌اند.

محور دیگری که در روایت‌های ابراهیم‌بن‌هاشم در حوزه علم امام مورد توجه قرار گرفته‌اند، دامنه علم و دانش است. دال‌های چندی، تبدیل عنصر محدودیت علم به‌وقته (مفاهیم تثبیت‌شده) نامحدود بودن را پیگیر بوده‌اند؛ بهره‌مندی امام از تمامی گونه‌های علم، پاسخ به سؤال‌ها و حل مشکلات جنیان، نامحدود بودن علم امام، بهره‌مندی امام از تمامی گزاره‌های ادیان پیشین، خرددار بودن امام از نهان دیگران، آگاهی امام از زمان و کیفیت مرگشان،^۶ از آن جمله‌اند.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۳.

۲. صفارقمی، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۱۰-۱۱۲، ح ۸؛ همان، ص ۱۴۵، ح ۱۵؛ همان، ص ۱۴۸، ح ۶؛ همان، ص ۱۶۴، ح ۵؛ همان، ص ۱۵۷، ح ۱۶؛ همان، ص ۱۶۶، ح ۱۶؛ همان، ص ۱۷۳، ح ۹؛ همان، ص ۱۹۲، ح ۴؛ همان، ص ۲۳۱، ح ۳؛ همان، ص ۳۸۵، ح ۸؛ همان، ص ۴۵۹، ح ۲؛ همان، ص ۳۱۸، ح ۲؛ همان، ص ۴۵۲، ح ۷.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۶، ح ۲.

۴. صفار قمی، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۵۲، ح ۷.

۵. همان، ص ۴۵۹، ح ۲.

۶. همان، ص ۱۳۶، ح ۴؛ همان، ص ۱۳۳، ح ۵؛ همان، ص ۱۳۸، ح ۱۲؛ همان، ص ۲۳۶، ح ۳؛ همان،

ص ۲۴۰، ح ۲۰؛ همان، ص ۲۴۲، ح ۱؛ همان، ص ۴۵۲، ح ۷.

روایت‌های چندی نیز با توسعه محور قدرت امام همسو هستند. برخی از این گزاره‌ها، به منشأ غیرعادی قدرت امام اشاره دارند؛ دارا بودن سلاحی همانند تابوت بنی‌اسرائیل،^۱ دسترسی به اسم اعظم الهی،^۲ کمک‌رسانی روح‌القدس و روح به امام،^۳ از این دسته روایت‌ها هستند. روایت‌های متعددی، بروز توانایی‌های غیرعادی از امام را به تصویر کشیده‌اند؛ مانند مشکی شدن موی سفید شخص با لمس آنها از سوی امام.^۴

تفاوت در زمان خلقت نیز از مفاهیمی است که تثبیت آن، مورد نظر برخی از روایت‌های نقل‌شده از سوی ابراهیم بود. بر اساس این روایت‌ها، جهان، خلقتی متفاوت داشته و انسان‌ها در جهانی پیش از جهان فعلی خلق شده و مورد آزمون قرار گرفته‌اند و از شیعیان در آن عالم بیعت گرفته شده^۵ و در تفسیری دیگر، بین زمان آفرینش ارواح و بدن‌ها هزاران سال فاصله بوده و امام می‌تواند روح شیعیان را با عهد ذهنی شناسایی کند.^۶

همچنان‌که اشاره شد، اقبال اشعریان به روایت‌های ابراهیم‌بن‌هاشم و عدم مخالفت آنها با وی، نقش بسزایی در توسعه گفتمان کلامی در موضوع امام‌شناسی در قم داشت. مطالب موجود در منابع روایی و نیز رجالی، نشان از اوج‌گیری کنش اشعریان در نسل چهارم در بستر گفتمان کلامی و افول فعالیت‌های ایشان در نسل‌های بعدی است که به نظر می‌رسد، با میزان قدرت سیاسی اشعریان در قم، مرتبط باشد.

۱. حمیری، قرب الاسناد، ص ۳۶۴، ح ۱۳۰۶.

۲. صفار قمی، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۷.

۳. همان، ص ۲۲۱، ح ۵؛ همان، ص ۳۲۳، ح ۹؛ همان، ص ۴۵۲، ح ۷؛ همان، ص ۳۳۶، ح ۴.

۴. همان، ص ۲۷۰، ح ۳؛ حرّ عاملی، اثبات الهدی، ص ۱۰۴.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۳.

۶. کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۲۹.

توسعه مفاهیم در سه محور: علم، قدرت و ارتباط با ماورا

اشعریان نسل پنجم در نیمه دوم قرن سوم هجری و اوایل قرن چهارم هجری می‌زیستند؛ عمران بن موسی بن الحسن بن عامر بن عبدالله بن سعد (اوایل قرن ۴) و احمد بن ادريس بن احمد بن ادريس بن عبدالله بن سعد (۳۰۶ق)، از کنشگران فعال در بستر گفتمان کلامی هستند.

روایت‌های نقل شده از سوی این دو راوی نیز تثبیت و نیز توسعه مفاهیم در سه محور: خلقت، علم و قدرت امام را پی گرفته‌اند. تفاوت امام در این سه محور با انسان‌های عادی، در این روایت‌ها به تصویر کشیده شده‌اند. توسعه در استفاده از عمود نوری که در روایت‌های نسل‌های پیشین، ابزار ارتباطی خداوند با امام بود، در استفاده امام از آن برای دیدن تمامی نقاط جهان^۱ از تحولات روی داده در گفتمان کلام‌محور است.

این توسعه یافتگی را در محور ارتباط با موجودات فرازمینی نیز مشاهده می‌کنیم. بر اساس روایتی، امام به حل مشکلات ملائکه اقدام کرده است؛^۲ در حالی که در روایت‌های نسل‌های پیشین، ملائکه امدادگر امامان بودند.

در بخش منشأ غیرعادی علم امامان نیز می‌توان این توسعه یافتگی را مشاهده کرد؛ روایتی از صعود روح امام به عرش و فزونی توان علمی امام پس از این رویداد، خبر داده است.^۳

توان امام در تکلم به زبان پرندگان نیز از دیگر جلوه‌های توسعه دامنه علم امام است که در روایت‌های این نسل از اشعریان به چشم می‌خورد.^۴

۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۲۳۶؛ صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۴۳۷، ح ۷.

۲. صدوق، الامالی، ص ۱۳۷، ح ۸.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۱.

۴. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۹۸، ح ۲.

سعدبن عبدالله بن ابی خلف متوفای ۲۹۹ هجری، از شاگردان احمد بن محمد بن عیسی اشعری بود. نسبتش با اشعریان مهاجر، دانسته نیست؛ ولی با توجه به قرار گرفتن نامش در زمره شاگردان احمد، وی را می‌توان هم‌دوره با نسل پنجم اشعریان دانست. وی کتابی به نام *بصائر الدرجات* داشته که اصل آن، به دست نرسیده و در قرن نهم هجری، تلخیصی از آن به دست شیخ حسن بن سلیمان بن محمد حلّی (زنده به سال ۸۰۲ق) انجام گرفته است. بخش تلخیص شده *بصائر و بصائر صفار قمی*، شباهت بسیاری به هم دارند. *بصائر صفار قمی* را می‌توان مرمانمه و پایه و اساس *گفتمان کلامی* در موضوع امام‌شناسی دانست. تلخیص *بصائر سعدبن عبدالله*، دال‌های متعددی در محورهای اصلی مورد نظر پژوهش دارد و در هر بخش، روایت‌هایی چند، تثبیت مفاهیم را عهده‌دار شده‌اند.

کمک‌گیری از موجودات فرازمینی برای تثبیت اعتقادات شیعی، از موارد توسعه دامنه محور ارتباط امام با موجودات ماورایی است که در روایت‌های این اثر به چشم می‌خورد.^۱ صحبت از فضایل امام در عرش الهی^۲ نیز از دیگر موارد توسعه در ارتباط امام با موجودات فرازمینی است که در برخی روایت‌ها خودنمایی می‌کند. بازگشت پیامبران به دنیا و کمک‌رسانی آنها به پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام^۳، از دیگر موارد این توسعه به شمار می‌روند.

ذخیره‌سازی اطلاعات مربوط به پیمان شیعیان و امامان را نیز می‌توان از موارد توسعه در بخش علم امام ارزیابی کرد.

۱. حلّی، *مختصر البصائر*، ص ۲۱۳، ح ۴۶/۲۰۵؛ همان، ص ۲۱۶، ح ۴۷/۲۰۶؛ همان، ص ۲۱۶، ح ۴۸/۲۰۷؛ همان، ص ۳۰۴، ح ۸/۳۱۹؛ همان، ص ۳۰۶، ح ۹/۳۲۰؛ همان، ص ۳۰۸، ح ۱۳/۳۲۴؛ همان، ص ۳۱۲، ح ۲۰/۳۳۱؛ همان، ص ۳۱۶، ح ۲۷/۳۳۸.

۲. حلّی، *مختصر البصائر*، ص ۱۳۷، ح ۱۰۶/۶.

۳. همان، ص ۱۱۲، ۸۶/۳۲.

در سایر محورها نیز روایت‌هایی پُرشمار مربوط به تثبیت و توسعه مفاهیمی با رویکرد کلامی، در بخش امام‌شناسی به کار رفته‌اند^۱ که با توجه به پرداختن به آنها در بخش‌های پیشین، از تکرار آنها اجتناب می‌شود.

کتاب *الفرق والمقالات* سعدبن عبدالله، در بستر گفتمان تاریخی تولید شده و گزارش‌های تاریخی از رویدادهای مرتبط با امامان، در آن فراوان‌اند. وی در این اثر که با توجه به عنوانش در پی تبیین فرقه‌های مسلمانان و به‌ویژه شیعیان است، رویدادهای تاریخی مربوط به نحله‌های مختلف را به‌اختصار به تصویر می‌کشد. وی هنگام توضیح فرقه‌های مختلف، به گزارش رویدادها پرداخته و لحنی مورخانه دارد. آغاز و انجام فرقه‌ها را به صورت بسیار مختصر ذکر می‌کند و ادعاهای فراتاریخی هر گروه را هم با همان سبک و با بیانی که گویای اعتقاد پیروان به این امور است و نه وقوع آن، به تصویر می‌کشد. برخی از امامان شیعی را مورد توجه قرار داده و در یک بند، شناخت‌نامه‌ای از ایشان ارائه می‌کند. تصویر ارائه‌شده از امامان در این اثر، کاملاً تاریخی است و در هیچ جای اثر، قضاوت نویسنده دیده نمی‌شود.

نمایه‌ای از تولد، نام مادر، مدت امامت، سال وفات و مدفن امام ذکر شده و از رویدادهای فراوان فراتاریخی ذکر شده در برخی منابع دیگر،^۲ خبری نیست. در این اثر، اشاره‌ای به شهادت و یا مرگ غیرطبیعی امامان نشده است و برخلاف مضمون مدعای کلامی برگرفته از برخی روایت‌ها که یکی از نشانه‌های امام را نماز خواندن بر جنازه امام پیشین می‌دانست، از نماز خواندن افراد عادی و حکومتی بر جنازه برخی از امامان، خبر داده است.^۳

۱. همان، ص ۶۱، ح ۲۷؛ همان، ص ۶۱، ح ۲۹؛ همان، ص ۱۳۷، ح ۱۰۶؛ همان، ص ۱۸۴، ح ۱۶۴؛

همان، ص ۴۱۰، ح ۴۷۶؛ همان، ص ۴۱۱، ح ۴۷۶؛ همان، ص ۴۲۶، ح ۵۰۵؛ همان، ص ۵۰۵، ح ۵۷۰.

۲. خصیبی، *الهدایة الکبری*، ص ۲۸۲-۲۸۳.

۳. اشعری، *المقالات والفرق*، ص ۱۰۲.

مجادلات کنشگران دو گفتمان تاریخی و کلامی به هنگام بحث در باره جانشینی امام رضا علیه السلام با موضوع علم امام نیز در این کتاب بازتاب یافته است.^۱

در این منبع، گزارشی از خروج شخصی به نام عمر بن ریاح از گفتمان تشیع به گمان شنیدن پاسخ‌های متناقض از امام صادق علیه السلام برای پرسشی ثابت شرح داده شده که تناقضی آشکار با مفاهیم‌های علم امام در گفتمان امام فراتاریخی دارد.^۲

وی به هنگام نقل وفات امام حسن عسکری علیه السلام، ابتدا نمای تاریخی رحلت و عدم آشکاری فرزندی برای ایشان و نیز تقسیم اموال ایشان بین ورثه را بیان کرده و بعد از آن، در مطلبی طولانی به معتقدات شیعیان امامی پرداخته است.^۳

کنش‌های سیاسی دستگاه حکومتی با امامان نیز موضوع برخی از گزارش‌های تاریخی است که اشعری به آنها اشاره کرده است.^۴

اگر صحت انتساب هر دو کتاب به سعد بن عبدالله را بپذیریم، با توجه به اینکه تاریخ کتابت دقیق هیچ کدام از آنها مشخص نیست، نمی‌توانیم تحلیل جامعی از کنشگری سعد در گفتمان امام‌شناسی ارائه دهیم. همان‌گونه که اشاره شد، داده‌های ارائه‌شده در *الفرق* کاملاً تاریخی است؛ ولی گزاره‌های بصائر رویکردی کلامی دارند و البته برخی از عبارتها به هنگام تقابل، به ظاهر ناسازگار می‌نمایند.

اگر روند تدریجی توسعه گفتمان کلامی را بپذیریم، احتمال قدمت نگارش *الفرق* بر *بصائر الدرجات* وجود دارد و ممکن است با توجه به غلبه گفتمان کلامی، کتاب دوم رنگ‌وبوی آن را گرفته باشد.

۱. همان، ص ۹۶-۹۷.

۲. همان، ص ۷۴-۷۵.

۳. همان، ص ۱۰۲-۱۰۶.

۴. همان، ص ۹۳.

توسعه دامنه شمولی و ویژگی‌های غیرعادی

از میان اشعریان نسل ششم، سه تن از آنها کنش‌هایی در بستر گفتمان کلامی داشته‌اند: محمد بن احمد بن یحیی بن محمد بن عمران بن عبدالله بن سعد، علی بن محمد بن حفص بن عبید بن حمید بن احوص و نیز حسین بن احمد بن عامر بن عمران بن ابی‌بکر بن عبدالله بن سعد، روایت‌هایی در حوزه امام‌شناسی داشته‌اند. بیشتر این روایت‌ها، تثبیت مفاهیم مرتبط با علم امام را پی گرفته‌اند. علم به نهان انسان‌ها،^۱ خبر دادن از رویدادهای آینده^۲ و خبردار بودن از زمان مرگ افراد در آینده،^۳ مفاهیمی هستند که با دال‌های متعدد بیان شده‌اند. این دال‌ها در آثار پیشینیان بود و تکرار آنها تبدیل عناصر یادشده به‌وقته را در پی داشت. دالی با مفهوم علت بودن امام برای بقای زمین نیز در بین روایت‌ها وجود دارد.^۴

مصون ماندن مادر امام از تعرض،^۵ مفهوم جدیدی است که در روایتی از حسین بن احمد به چشم می‌خورد. این مفهوم می‌تواند نشان دیگری از توسعه رویدادهای خارق‌العاده از امام به بستگان درجه یک ایشان ارزیابی شود.

نشانی از فعالیت نسل‌های بعدی اشعریان، در چارچوب گفتمان‌های یادشده به دست نیامد و تنها نام محمد بن احمد بن علی از نوادگان احوص و از نسل هشتم اشعریان مهاجر

۱. صفارقمی، *بصائر الدرجات*، ج ۱، ص ۴۹۳، ح ۲؛ ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی‌طالب*، ج ۴، ص ۳۹۶.

۲. صدوق، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۴، ص ۲۱۹، ح ۵۵۱۵؛ کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۴۷۷، ح ۳.

۳. ابن بابویه، *الامامة والتبصرة من الحیرة*، ص ۷۷؛ صدوق، *عیون اخبار الرضا*، ج ۱، ص ۲۳-۲۶.

ح ۹؛ مفید، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ج ۲، ص ۳۶۶.

۴. صدوق، *معانی الأخبار*، ص ۱۲۰، باب «معنی ابی‌تراب»، ح ۱.

۵. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۴۷۶، ح ۱.

که در قرن چهارم می‌زیست، در روایتی شامل جابه‌جایی کوه به فرمان امام به چشم می‌خورد.^۱

همان گونه که از گزارش روایت‌ها برمی‌آید، بیشتر گزاره‌های مربوط به امام‌شناسی در بستر گفتمان کلامی تولید شده‌اند و بعد اثباتی و تاریخی امامان، در آثار اشعریان قمی نمود چندان نیافته است.

تک‌گزاره‌هایی با رنگ‌وبوی گفتمان تاریخی، در بین آثار برجای‌مانده از اشعریان قمی به چشم می‌خورد.

نام جعفر بن محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد در روایتی مبنی بر تخریب قبور برجسته به دست امام علی علیه السلام^۲ به چشم می‌خورد. وی همچنین، روایتی نقل کرده که بر اساس آن، امام حسین علیه السلام دعوت به زورآزمایی از سوی شخصی را پذیرفت و امام علی علیه السلام ایشان را به این جهت نکوهش کرد.^۳ این دو روایت، نمایی طبیعی و تاریخی از امام را ارائه می‌دهند. تبیین علت مادی رفتار فرقه واقفیه نیز در بستر گفتمان تاریخی قابل ارزیابی است.^۴

با وجود میزان بالای کنش‌های احمد بن محمد بن عیسی، رئیس وقت مدرسه قم و از نسل چهارم اشعریان در بستر گفتمان کلامی، روایتی از وی در منبعی رجالی نقل شده که در آن، امام صادق علیه السلام به صراحت علم خود به غیب را نفی کرده و قرآینی تاریخی برای این امر ارائه نموده است.^۵

۱. مفید، الاختصاص، ص ۳۲۵.

۲. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۴، ح ۳۵.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۴، ح ۲.

۴. ابن بابویه، الامامة والتبصرة من الحيرة، ص ۷۵.

۵. محمد بن عمر کشی، رجال الکشی، ج ۲، ص ۵۷۹.

وجود گزاره‌هایی مبنی بر پاسخ‌های مختلف به یک پرسش در زمان‌های گوناگون از سوی امام به افراد مختلف که گله‌هایی را همراه داشته است،^۱ می‌تواند نشان از حیات کم‌رنگ گفتمان رقیب (تاریخی) در آثار محدثان قمی ارزیابی شود.

در *مختصر البصائر* روایتی نقل شده که بر اساس آن، امام باقر علیه السلام در دیدار با مسافری بادیه‌نشین، از رویدادهای فرازمینی بسیاری به او خبر داد و لحظاتی بعد، از شخصی که از در وارد شد، سراغ فرزندش امام صادق علیه السلام را گرفت. مسافر یادشده، از این رویداد با تعجب یاد کرده است.^۲ ساختار مشابه این روایت و روایتی که پیش‌تر از احمدبن محمدبن عیسی اشعری نقل کردیم،^۳ دو بُعدی بودن شخصیت امامان شیعی را بهتر به تصویر می‌کشد. بخشی از ویژگی‌های ایشان تاریخی، و بخشی دیگر ماورایی هستند که در بستر گفتمان کلامی به تصویر کشیده شده‌اند.

با توجه به مطالب یادشده، جای خالی گفتمان تاریخی و بعد تاریخی زندگی امامان در منابع نخستین تولیدشده در قم به چشم می‌خورد و به نظر می‌رسد، گفتمان کلامی بر نظم گفتمانی حاکم بر قم غلبه کرده است و گزاره‌های تاریخی به صورت اندک و پراکنده در لابه‌لای برخی از متون تاریخی به چشم می‌خورند.

یکی از مهم‌ترین عوامل کم‌توجهی به گفتمان تاریخی، شرایط سیاسی دوره مورد نظر تحقیق است. غلبه گفتمان خلیفه‌محور بر جهان اسلام و پیوند مستقیم تاریخ‌نگاری با کانون قدرت، امکان ثبت و نشر تاریخی دال مرکزی گفتمان رقیب (امام) را با مشکل جدی مواجه می‌کرد. نگاهی به زندگی امامان شیعی و کنش‌های متقابل ایشان و دستگاه

۱. حلی، *مختصر البصائر*، ص ۲۶۸-۲۷۰، ح ۱۴/۲۶۸، ۱۵/۲۶۹ و ۱۷/۲۷۰.

۲. همان، ص ۱۸۸-۱۹۰، ح ۱۶۸/۹.

۳. محمدبن عمر کشی، *رجال الکشی*، ج ۲، ص ۵۷۹.

حکومتی، می‌تواند تأییدکننده این دیدگاه باشد.^۱ در مقایسه، می‌توان مدعی شد که در همین شرایط، فضا برای گفتمان کلامی به نسبت فراهم‌تر بود؛ چراکه گزاره‌های امام‌شناسی مبتنی بر گفتمان کلامی، در قالب روایت و در مجموعه‌های روایی، حفظ و جابه‌جا می‌شدند و به طور طبیعی، حساسیت کمتری نسبت به آنها وجود داشت. از سوی دیگر، با توجه به نابسامان بودن اوضاع برای شیعیان، داده‌های تاریخی نمی‌توانست برای جامعه تحت ظلم قرارگرفته شیعه، جذاب و امیدبخش باشد. شیعه‌ستیزی امویان (حک: ۴۱-۱۳۲ق) و عباسیان (حک: ۱۳۲-۵۶۶ق) و تحت فشار بودن امامان شیعی در دوره‌های یادشده، به‌نوعی یأس و ناامیدی در بین شیعیان را در پی داشت و توجه به جنبه ثبوتی، می‌توانست امید را در دل جامعه شیعی زنده نگاه دارد. خلقت متفاوت، علم و قدرت نامحدود، عواملی بودند که هرآن می‌توانستند موازنه قدرت را به نفع شیعیان تغییر دهند و از همین رو، ثبت و ضبط داده‌های کلامی از سوی محدثان با اشتیاق بیشتری انجام می‌گرفت.

اقتصاد نیز می‌تواند از عوامل توسعه رویکرد کلامی در امام‌شناسی شناخته شود؛ به‌عنوان نمونه، توسعه مفهوم مالکیت امام بر تمام جهان هستی با استفاده از توانایی‌های ماورایی امام،^۲ در راستای غیریت‌سازی با گفتمان خلیفه‌محور و عدم رسمیت دستگاه سیاسی حاکم بود و مقاومت قمی‌ها در برابر پرداخت مالیات به عباسیان، اقدامی همسو با این مفهوم بوده است.^۳

۱. محمدجواد مغنیه، ۱۳۹۶، شیعه و زمامدارن خودسر، ترجمه: مصطفی زمانی، تهران، انتشارات نبوی؛ رسول جعفریان، ۱۳۶۹ش، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۷، باب «أَنَّ الْأَرْضَ كُلَّهَا لِلْإِمَامِ».

۳. صفار قمی، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۰۴-۱۰۶؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۹، ص ۳۸۲.

آمادگی ذهنی مخاطبان در پذیرش امور ماورایی در باره برگزیدگان نیز از دلایل توسعه همه‌جانبه رویکرد کلامی در تاریخ‌نگاری امام‌شناسانه بوده است. سابقه طولانی اتصاف پیامبران و اولیاءالله به معجزات و امور خارق‌العاده، در پذیرندگی این امور تأثیرگذار بوده است؛ به‌گونه‌ای که در برخی از موارد، موجب سوء استفاده افراد سودجو و داستان‌بافی‌های بی‌اساس نیز شده بود. کتاب *الفرق* سعدبن عبدالله اشعری، نمونه‌های فراوانی از این موارد را نقل کرده است.^۱

تفاوت سنجه‌های داده‌های تاریخی و کلامی نیز می‌تواند از دیگر عامل‌های توسعه گفتمان کلامی در تاریخ امامان و امام‌شناسی باشد. همان‌گونه که اشاره شد، داده‌های کلامی در بستر روایت‌ها به جامعه عرضه می‌شد و با توجه به خارق‌العاده بودن آنها، ارزیابی محتوایی‌شان بر اساس عقل تاریخی ممکن نبود. از همین رو، تنها ملاک‌های ارزیابی حدیث می‌توانست در باره آنها جاری شود که می‌تواند شامل ارزیابی سند (زنجیره افراد واقع در سند روایت) و نیز در مواردی محتوای روایت‌ها بر اساس محتوای علم درایة الحدیث باشد. در داده‌های کلامی مربوط به تاریخ امامان و امام‌شناسی، نقد محتوایی نه معمول بود و نه چندان ممکن. به نظر می‌رسد، دقت چندان در نقد سندی نیز نمی‌شده است و از همین رو، تعداد قابل توجهی از سند این روایت‌ها، با ملاک‌های ارزیابی معمول، مشکل‌دار به حساب می‌آیند.^۲

نتیجه

داده‌های کلامی به جهت ناتوانی دانش تاریخ از بازتاب جنبه ثبوتی حیات و شخصیت امامان، با نمایی تاریخی وارد مجامع روایی شدند و با توجه به عوامل و دلایلی چون

۱. اشعری، *المقالات والفرق*، ص ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۴۳، ۶۳، ۶۴ و ۶۹.

۲. کامران محمدحسینی، «متون و روایات دلایل و معجزات ائمه در منابع شیعی قرن دوم تا ششم»، اصغر قائدان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، بهمن ۱۳۹۰.

آمادگی ذهنی مخاطبان برای پذیرش امور ماورایی در باره اولیای الهی، اوضاع نامساعد سیاسی برای شیعیان در دوره مورد نظر تحقیق، و تفاوت سنجه‌های ارزیابی داده‌های کلامی و تاریخی، توانستند به سرعت توسعه یابند و به گفتمان غالب تاریخ‌نگاری با موضوع امام‌شناسی بدل گردند. این گفتمان، توسعه مفاهیمی در سه محور: خلقت، علم و قدرت امام را مد نظر داشتند و با ارائه دال‌های متعدد، تفاوت و برتری امام در این سه حیطة بر رقیبان گفتمانی خویش را به تصویر کشیدند. اشعریان با توجه به اهمیتی که در جامعه حدیثی قم داشتند، از طریق ثبت و ضبط روایت‌هایی با رویکرد کلامی و نیز پذیرش مهاجران کوفی منتقل‌کننده روایت‌ها با رویکرد کلامی، نقش مهمی در تثبیت مفاهیم و توسعه و غلبه گفتمان کلامی در بستر امام‌شناسی داشتند و هرچه از زمان مهاجرت ایشان به قم دورتر می‌شویم، تعداد گزاره‌های کلامی موجود در روایت‌های ایشان بیشتر می‌شود.

منابع

۱. ابن بابویه، علی بن حسین، ۱۴۰۴ق، *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، قم، مدرسه الامام مهدی.
۲. ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
۳. ابن قولویه، محمد بن جعفر، ۱۳۵۶ش، *کامل الزیارات*، تصحیح: عبدالحسین امینی، نجف اشرف، دار المر تضویة.
۴. اشعری، سعد بن عبدالله، ۱۳۶۱ش، *المقالات والفرق*، تحقیق: محمدجواد مشکور، تهران، علمی و فرهنگی.
۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷ق، *المحاسن*، تصحیح: جلال‌الدین محدث، قم، دار الکتب الاسلامیة.
۶. پیروزفر، سهیلا و آجیلیان مافوق، مهدی، ۱۳۹۰ش، «خاندان اشعری و تأثیر آن بر سیر تحول مکتب حدیثی قم»، دو فصلنامه حدیث پژوهی، شماره پنجم.
۷. جعفریان، رسول، ۱۳۶۹ش، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۸. حاج تقی، محمد، ۱۳۷۶ش، «شجره علمی خاندان اشعری»، علوم حدیث، شماره پنجم.
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۲۵ق، *اثبات الهدی*، بیروت، اعلمی.
۱۰. —، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعة*، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۱۱. حضرتی، حسن، ۱۳۹۷ش، *نسبت تاریخ‌شناسی و علم کلام در حوزه امام‌شناسی؛ روش پژوهش در تاریخ‌شناسی*، تهران، لوگوس.
۱۲. حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، ۱۴۲۱ق، *مختصر البصائر*، تحقیق: مشتاق مظفر، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۳. حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، *قرب الاسناد*، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۱۴. خانجانی، قاسم و هدایت‌پناه، محمدرضا، ۱۳۹۵ش، «تأملی در پیش‌گامی ابراهیم بن هاشم در نشر حدیث کوفیان در قم»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، بهار و تابستان.
۱۵. خصیبی، حسین بن حمدان، ۱۴۱۹ق، *الهدایة الکبری*، بیروت، بلاغ.

۱۶. خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۳ق، معجم رجال الحدیث، بی‌جا، بی‌نا.
۱۷. ریترز، جورج، ۱۳۷۴ش، نظریه جامعه‌شناسی در دوره معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۸. سرلک، علی محمد، ۱۳۹۲ش، اشعریان و تأسیس نخستین دولت شهر شیعی، قم، نشر ادیان.
۱۹. صدوق، محمدین علی، ۱۳۷۸ش، عیون اخبار الرضا، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
۲۰. ———، ۱۴۰۳ق، معانی الاخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۲۱. ———، ۱۳۴۳ق، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: سید حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. صفارقمی، محمدبن حسن، ۱۴۰۴ق، بصائر الدرجات، تصحیح: محسن کوچه باغی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۲۳. طالقانی، سید حسن، ۱۳۹۲، «نقش ابراهیم بن هاشم در انتقال میراث حدیثی کوفه به قم»، علوم قرآن و حدیث، بهار و تابستان، ش ۹۰.
۲۴. طبری صغیر، محمدبن جریر، ۱۴۱۳ق، دلائل الامامة، قم، مؤسسه بعثت.
۲۵. طبری، محمدبن جریر، ۱۳۸۷ق، تاریخ الطبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث.
۲۶. طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۲۰ق، فهرست کتب الشیعه، تحقیق: عبدالعزیز طباطبایی، قم، مکتبه المحقق الطباطبایی.
۲۷. ———، ۱۴۰۷ق، تهذیب الاحکام، تصحیح: حسن الموسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۸. غضائری، احمدبن حسین، ۱۴۲۲ق، الرجال، قم، دار الحدیث.
۲۹. قمی، حسن بن محمد، ۱۳۶۱ش، تاریخ قم، تهران، طوس.
۳۰. کشی، محمدبن عمر، ۱۳۶۳ق، رجال الکشی، تصحیح: مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل‌البیت.

۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۲. کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، *تفسیر فرات الکوفی*، تصحیح: محمد کاظم، تهران، نشر وزارت ارشاد.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۴. محمدحسینی، کامران، ۱۳۹۰، «متون و روایات دلائل و معجزات ائمه در منابع شیعی قرن دوم تا شش»، اصغر قائدان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، بهمن‌ماه.
۳۵. مدرسی، سید حسین، ۱۳۷۴ش، *مکتب در فرایند تکامل*، ترجمه: هاشم ایزدپناه، نیوجرسی، مؤسسه انتشاراتی داروین.
۳۶. مغنیه، محمدجواد، ۱۳۹۶ش، *شیعه و زمامدارن خودسر*، ترجمه: مصطفی زمانی، تهران، انتشارات نبوی.
۳۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۸. —، ۱۴۱۳ق، *الاختصاص*، قم، کنگره هزاره مفید.
۳۹. نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۵ش، *رجال النجاشی*، قم، جامعه مدرسین.
۴۰. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، قم، آل‌البیت.
۴۱. هدایت‌پناه، محمدرضا، ۱۳۹۴ش، *منابع تاریخی شیعه تا قرن پنجم هجری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.